

«وطن امروز» از تأثیر پیشرفت دانش پزشکی ایران بر خنثی سازی تحریم‌ها در حوزه درمان گزارش می‌دهد

غلبه طبابت بر تحریم

■ پیشرفت‌های چشمگیر ایران در حوزه تشخیص و درمان بیماری‌های قلبی

چهارشنبه ۹ مهر۱۴۰۴ | ربيع الثانی ۱۴۴۷ | اول اکتبر ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۴۲۵ | ۸ صفحه | ۱۰هزار تومان

صفحه ۴

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۹۹۱ سال و ۳۰ روز گذشت |

دیدار امشب استقلال –المحرق بحرین

بهترین فرصت برای احیای آبی‌ها

بَیْر

وفراموش کن

صفحه ۶

ولادت باسعادت ابن‌الرضا حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام را شاد بایان می‌گوییم

مروری بر تبعات رفتار غیرصادقانه و وارونه‌نمایی روحانی درباره برجام و ماجراهای پس از آن

بدتر از ماشه



پایبند به توافق نشان داده می‌شد. در واقع روحانی به گونه‌ای برجام را روایت کرد که گویی صرفا با یک مذاکره مستقیم با آمریکا، همه مشکلات کشور حل شده است! گویی در همه سال‌های پیش از آن، مشکلات میان ۲ کشور صرفا با یک مذاکره مستقیم و نشست‌ن مقامات کشور روبه‌روی یکدیگر حل می‌شد. این یکی از اجحاف‌های بزرگ روحانی در قبال کشور و منافع ملی بود؛ در حالی که واقعیت خلاف این بود. هم در مذاکرات منتهی به برجام رویکرد خصمانه دولت آمریکا نشان داده نشده بود و هم در جریان اجرای برجام، بدعهدی آمریکا و عدم پایبندی این کشور به توافق با ایران اثبات شد. اوج این بدعهدی، خردار امسال در جریان حمله رژیم صهیونیستی به ایران هویدا شد. در ۳ ماه گذشته، با مذاکرات بر سر عدم فعال سازی مکنایسم ماشه نیز مصداق دیگری از عدم اعتقاد آمریکا به مذاکره با ایران آشکار شد.

نکته مهم این است که افکار عمومی ایران، در فقره برجام شاهد بودند بدعهدی و خصم علیه ایران، مختص یک جریان سیاسی در آمریکا نیست؛ هر ۲ دولت دموکرات و جمهوری‌خواه در آمریکا در این سیاست ضدایرانی متفق‌القول هستند. کما اینکه خود مقامات دولت روحانی نیز بارها اذعان کردند بدعهدی آمریکا نسبت به تکالیف خود در برجام، از دولت اوباما، یعنی همان دولتی که برجام را امضا کرد، آغاز شد ولی آقای روحانی برجام را به گونه‌ای روایت کرده بود که این واقعیات مسلم انکار می‌شد و دولت آمریکا یک دولت محترم، پایبند به مذاکره و متعهد به تکالیف خود در توافق نیست». این شعار، مختصات و ماهیت توافق احتمالی با آمریکایی‌ها را نشان می‌داد. این شعار در راستای تخفیف شرایط توافق مطلوب از نظر ایران بود، در واقع این شعار به نوعی تلاش می‌کرد یک مطالبه حداقلی نسبت به مفاد توافق در کشور ایجاد شود، بنابراین وقتی نگرش تیم مذاکره‌کننده به مذاکرات و توافق اینگونه است، از دل آن لغو همه تحریم‌های مالی و بانکی و اقتصادی و تسلیحاتی و منع اشاعه محقق نمی‌شود. واقعیات مذاکرات نیز همین را نشان داد. کما اینکه پس از امضای برجام، رفتار آمریکا و اروپا در قبال توافق نیز موید همین واقعیات بود. بنابراین آنچه حسن روحانی پس از امضای برجام مدعی شد، یک روایت غلط و خلاف واقع بود. آنچه روحانی روایت کرد و مدعی شد، مفاد یک توافق کاملا مطلوب و ایده‌آل برای ایران بود اما گذشت زمان خلاف آن را ثابت کرد، به همین خاطر، این روایت خلاف واقع، یکی از مهم‌ترین خطاها و اشتباهات حسن روحانی در قبال برجام بود. شاید اگر روحانی با مردم صادقانه سخن می‌گفت و واقعیات توافق را با مردم در میان می‌گذاشت، در ادامه و حتی با وجود بدعهدی طرف غربی، حجم انتقادات از آن کاهش می‌یافت اما روحانی به دلایلی که بر هیچ کس پوشیده نیست، برجام را به گونه‌ای روایت کرد که هیچ سنخیت و تناسبی با واقعیات آن نداشت.

دوم: یکی دیگر از اشتباهات بزرگ حسن روحانی، عدم توجه عمدی به تبعات و هزینه‌های روایت نادرست از برجام بود. روحانی برجام را به گونه‌ای روایت کرد که در آن، آمریکا یک کشور مقید به مذاکره و همین‌طور سیاست‌ها و راهبردهای درست و دقیق نظام می‌گردد و برجام، نه تنها منجر به سفیدشویی آمریکا می‌شد، بلکه منتقدان و دلسوزان را نیز بشدت آماج توهین و افترا می‌کرد. در حالی که عمده گلابه‌ها و توصیه‌های منتقدان، در راستای منافع ملی و تحقق خواسته اصلی نظام و مردم، یعنی لغو تحریم‌ها مطرح می‌شد، حسن روحانی به گونه‌ای رفتار می‌کرد که ابتدا اعتبار منتقدان مخدوش می‌شد و بعد سیاست‌ها و راهبردهای درست و دقیق نظام نسبت به آمریکا، روایت تندرین اتهامات زیر سوال می‌رفت.

بازخوانی ادبیات تند و توهین‌آمیز روحانی نسبت به منتقدان و اتهامات ناروایی که علیه آنها مطرح می‌کرد، نشان می‌دهد او در این کار تمعد خاصی داشت. شاید بر برخی مشاوران روحانی معتقد بودند برای رهایی از انتقادات درست و منطقی، بهترین روش، بی‌اعتبارسازی منتقدان است.

اما جدا از توهین‌ها و اتهاماتی که او علیه منتقدان به کار می‌برد، این رویه او تبعات زیادی برای منافع ملی داشت. همان‌گونه که گفته شد، مهم‌ترین تبعات این تاکتیک حسن روحانی، زیر سوال بردن سیاست‌ها و راهبردهای درست و دقیق نظام در حوزه سیاست خارجی و به صورت مشخص، در مواجهه با آمریکا بود.

ادامه در صفحه ۷

اجرای برجام تمام تحریم‌های مالی، بانکی و اقتصادی حتی تحریم‌های تسلیحاتی و منع اشاعه به طور کامل لغو خواهد شد و نه تعلیق». اکنون همه ملت ایران شهادت می‌دهند ادعای روحانی درست بود یا خیر! شاید این ذهنیت نزد برخی وجود داشته باشد که روحانی واقعا چنین دیدگاهی داشت و درباره مفاد برجام و همین‌طور درباره صداقت آمریکا و تروئیکای اروپا نسبت به برجام دچار سادگی و خوش‌خیالی شده بود اما واقعیت خلاف این را نشان می‌دهد. روحانی در جریان همه جزئیات مذاکرات قرار داشت و قاعدتا باید می‌دانست بویژه طرف آمریکایی قرار نیست همه تحریم‌ها را لغو کند.

دست‌کم درباره مکنایسم ماشه، قاعدتا تیم مذاکره‌کننده دولت روحانی متوجه شده بود غرب از همان ابتدای امضای برجام، به فکر خروج از این توافق بود و بر همین اساس بنا نحوه نگارش مفاد مربوط به مکنایسم ماشه، فرآیند خروج راحت و بی‌هرزینه از توافق را تدبیر کرده بود. همین‌طور همه چیز درباره وضعیت بقای این توافق مشخص بود و حتی برخی منتقدان بارها گوشزد کردند برای انجام می‌رفت، قاعدتا مشخص بود دلیل این طفره رفتن چیست. البته رفتار دولت روحانی و تیم مذاکره‌کننده به وضوح نشان می‌داد نگرش آنها به مذاکرات و توافق چیست. شعار آنها این بود: «هیچ توافقی، بدتر از عدم توافق نیست». این شعار، مختصات و ماهیت توافق احتمالی با آمریکایی‌ها را نشان می‌داد. این شعار در راستای تخفیف شرایط توافق مطلوب از نظر ایران بود، در واقع این شعار به نوعی تلاش می‌کرد یک مطالبه حداقلی نسبت به مفاد توافق در کشور ایجاد شود، بنابراین وقتی نگرش تیم مذاکره‌کننده به مذاکرات و توافق اینگونه است، از دل آن لغو همه تحریم‌های مالی و بانکی و اقتصادی و تسلیحاتی و منع اشاعه محقق نمی‌شود. واقعیات مذاکرات نیز همین را نشان داد. کما اینکه پس از امضای برجام، رفتار آمریکا و اروپا در قبال توافق نیز موید همین واقعیات بود. بنابراین آنچه حسن روحانی پس از امضای برجام مدعی شد، یک روایت غلط و خلاف واقع بود. آنچه روحانی روایت کرد و مدعی شد، مفاد یک توافق کاملا مطلوب و ایده‌آل برای ایران بود اما گذشت زمان خلاف آن را ثابت کرد، به همین خاطر، این روایت خلاف واقع، یکی از مهم‌ترین خطاها و اشتباهات حسن روحانی در قبال برجام بود. شاید اگر روحانی با مردم صادقانه سخن می‌گفت و واقعیات توافق را با مردم در میان می‌گذاشت، در ادامه و حتی با وجود بدعهدی طرف غربی، حجم انتقادات از آن کاهش می‌یافت اما روحانی به دلایلی که بر هیچ کس پوشیده نیست، برجام را به گونه‌ای روایت کرد که هیچ سنخیت و تناسبی با واقعیات آن نداشت.

دوم: یکی دیگر از اشتباهات بزرگ حسن روحانی، عدم توجه عمدی به تبعات و هزینه‌های روایت نادرست از برجام بود. روحانی برجام را به گونه‌ای روایت کرد که در آن، آمریکا یک کشور مقید به مذاکره و همین‌طور سیاست‌ها و راهبردهای درست و دقیق نظام در حوزه سیاست خارجی و به صورت مشخص، در مواجهه با آمریکا بود.

خود علیه ایران می‌نگرند و بر اساس بر آوردی که نسبت به میزان اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد ایران به دست آورده‌اند، حاضر نیستند تقریبا تحت هیچ شرایطی، از این ابزار فشار خود صرف نظر کنند تجربه برجام، بویژه رفتار آمریکایی‌ها در قبال مذاکرات عراقچی – ویتکاف و رفتار اروپایی‌ها در ۳ ماه گذشته بر سر فعال سازی مکنایسم ماشه، این واقعیت بسیار مهم را نشان داد که غرب به تحریم‌های ایران بشدت وابسته است. از این رو، حالا با گذشت بیش از ۱۰ سال از امضای برجام، نسبت به پایبندی به تعهدات خود در برجام، این می‌توان با قطعیت گفت ایده مذاکره با آمریکا با اروپا، با دستور کار محدودیت برنامه هسته‌ای در قبال لغو تحریم‌ها، یک توهم ناشی از عدم فهم واقعیات مربوط به ماهیت سیاست‌های آمریکا و اروپا علیه ایران است، بر اساس معادلات فعلی، هیچ چشم‌اندازی مبنی بر امکان‌پذیر بودن معامله بر سر لغو تحریم‌ها وجود ندارد.

۳- درباره مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، ۲ دیدگاه رایج در کشور وجود داشت. یک دیدگاه معتقد بود به واسطه نوع نگاه آمریکا به تحریم‌ها و ماهیت دشمنی این کشور با ایران، راه‌حل غلبه بر مشکلات اقتصادی، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی برای خنثی سازی تحریم‌ها و کاهش اثرات و تبعات آنهاست. حسن روحانی اما مهم‌ترین عنصر سیاسی مخالف این ایده بود.

روحانی مدعی بود راه‌حل مشکلات اقتصادی، لغو تحریم‌هاست. او راه‌حل همه مشکلات اقتصادی و حتی برخی مشکلات اجتماعی را به لغو تحریم‌ها گره زد. او سپس با قطعیت، مذاکره با آمریکا را کلید لغو تحریم‌ها می‌دانست و عنوان می‌کرد.

درباره اینکه آیا روحانی واقعا معتقد بود مذاکره با آمریکا کلید لغو تحریم‌هاست یا اینکه او این ایده را صرفا در قالب یک شعار برای پیشبرد اهداف سیاسی –انتخاباتی خود مطرح کرده بود، هنوز نمی‌توان با قطعیت نظر داد اما آنچه می‌توان به صورت قطعی گفت این است که روحانی در روایت برجام، خطاهای بزرگ و خلاف‌های مهلکی مرتکب شد.

او دست‌کم ۳ اشتباه بزرگ و نابخشودنی مرتکب شد. اول: روایت خلاف واقع از برجام. حسن روحانی بهتر از هر کسی می‌دانست برجام چیست و دامنه تاثیر آن تا جاست، نزدیک ۲ سال مذاکره مستقیم با آمریکایی‌ها در صورتی که روحانی در واقع روحانی بیشتر و بهتر از هر کسی می‌دانست برجام چیست و قرار است چه کار کند و از همه مهم‌تر، قطعا بهتر از همه می‌دانست برجام تا چه اندازه هدف ایران از مذاکره، یعنی لغو تحریم‌ها را محقق می‌کند، با این حال او پس از امضای برجام، به گونه‌ای موضع گرفت که گویا همه مشکلات اقتصادی کشور با برجام حل می‌شود. روحانی پس از امضای برجام در سخنرانی معروف خود تصریح کرد: «هروز به ملت شریف ایران اعلام می‌کنم از روز

دادن تضمین به بانکداران بزرگ اروپایی اجتناب کرد. با خروج رسمی آمریکا از برجام، دولت ترامپ به سرعت همه تحریم‌های مربوط به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را در قالب تحریم‌های جدید علیه ایران تصویب و اعمال کرد.

در این شرایط، توافق برجام از ۵۰۱ تبدیل به ۴۰۱ شد. در ایران منتقدان با توجه به واقعیات مربوط به مناسبت‌های آمریکا و اروپا، همچنین بدعهدی اروپا نسبت به پایبندی به تعهدات خود در برجام، این توافق را رسماً پایان‌یافته دانستند و با بیان اینکه هدف ایران از برجام – لغو تحریم‌ها – عملاً محقق نشده، خواستار کاهش تعهدات ایران در برجام شدند اما دولت روحانی به جد معتقد بود می‌تواند برجام را با اروپایی‌ها ادامه دهد. از همین رو، ایده اینستکس، به عنوان یک سازوکار مالی جدید بین اروپا و ایران مطرح شد. دولت روحانی مدعی بود از این طریق، اروپایی‌ها تعهدات برجامی خود را انجام خواهند داد. با این حال، همان‌گونه که منتقدان پیش‌بینی کرده بودند، تروئیکای اروپا نیز در عمل، از سیاست آمریکا در قبال برجام تبعیت و از انجام تعهدات برجامی خود استنکاف کرد. از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ که آمریکا به صورت رسمی از برجام خارج شد تا ۱۸ آذر ۱۳۹۹ که قانون اقدام راهبردی مجلس برای کاهش تعهدات برجامی ایران تصویب شد، ۳۱ ماه طول کشید. دولت روحانی ۲ سال و ۷ ماه به اروپایی‌ها فرصت داد پس از خروج آمریکا از برجام، تعهد خود به توافق با ایران را ثابت کنند اما در عمل اروپایی‌ها نیز همانند آمریکا از اجرای تعهدات برجامی خودداری کردند.

آمریکا به صورت رسمی ۳۴ ماه در برجام حضور داشت، در حالی که در همین مدت، هم در دوره دولت اوباما و هم دوره دولت ترامپ، نسبت به لغو تحریم‌های ایران بدعهدی کرد. رفتار اروپا نیز در این ۳۴ ماه کمابیش شبیه آمریکا بود. انگلیس، فرانسه و آلمان اگرچه به صورت رسمی از برجام خارج نشده بودند اما آنها نیز مانند آمریکا به برجام وفادار نماندند. در این بین ایران ۵ سال و ۵ ماه به صورت کامل به تعهدات خود وفادار ماند و پس از اثبات بدعهدی اروپا نسبت به برجام، نهایتاً ۱۸ آذر ۱۳۹۹ با تصویب قانون اقدام راهبردی مجلس، ایران تعهدات برجامی خود در محدود کردن برنامه هسته‌ای‌اش را کاهش داد. نتیجه برجام اینگونه شد که ایران ۵ سال و نیم برنامه هسته‌ای خود را محدود و متوقف کرد اما در این مدت هدف و خواسته اصلی ایران از توافق یعنی لغو تحریم‌ها محقق نشد. به عبارتی در نتیجه برجام، طرف غربی توانست نزدیک ۶ سال به خواسته خود درباره برنامه هسته‌ای ایران برسد، بدون اینکه خواسته ایران مبنی بر لغو تحریم‌ها را برآورده کند. از این حیث، برجام یک ایده شکست‌خورده و یک تجربه خسارت‌بار نمود. برای لغو تحریم‌ها بود.

۲- تحریم ایران به مثابه خط قرمز غرب است. اکنون دیگر تقریبا همه ناظران و صاحب‌نظران منصف در ایران و خارج از ایران، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که غرب، خاصه آمریکا، به تحریم به عنوان مهم‌ترین ابزار فشار

یادداشت امیرعباس نوری

اکنون با اقدام اروپا و آمریکا در فعال سازی غیرقانونی مکنایسم ماشه، پروژه برجام رسماً به اتمام رسیده. اگرچه پس از خروج یکجانبه آمریکا از این توافق و همین‌طور تبعیت تروئیکای اروپا از اقدام آمریکا و عدم پایبندی به تکالیف‌شان، برجام و کارکرد آن خاتمه یافته تلقی می‌شد اما به صورت رسمی، روز ۶ مهر، مهر ابطال بر پرونده برجام نقش بست.

حالا با گذشت نزدیک به ۱۰ سال از امضای برجام و با توجه به گزاره‌های مشهور، بویژه رفتار غرب در قبال این توافق، می‌توان یک جمع‌بندی کامل درباره این تجربه ارائه کرد.

۱- هدف ایران از برجام، لغو تحریم‌ها بود. ایران در قبال محدود و متوقف کردن بخش‌های مهمی از برنامه هسته‌ای خود، به دنبال این بود تحریم‌های آمریکا، اروپا و سازمان ملل لغو شود. بنابراین معادله توافق مطلوب از نگاه ایران، کاملا شفاف بود: اعمال محدودیت در برنامه هسته‌ای در ازای لغو تحریم‌ها.

آیا برجام این هدف ایران را محقق کرد؟ خیر! پس از امضای برجام، اگرچه طرف آمریکایی متعهد به تعلیق – و نه لغو – تحریم‌ها شد و در قالب قطعنامه ۲۲۳۱، تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران نیز معلق شده بود اما طرف آمریکایی در عمل، تعهدات خود را درباره برداشتن تحریم‌های ایران انجام نداد. به اذعان مقامات دولت حسن روحانی، بدعهدی غرب در قبال برجام، از دولت اوباما شروع شد. چند ماه پس از امضای برجام، ولی‌الله سیف، رئیس کل وقت بانک مرکزی صراحتاً اذعان کرد ایران در حوزه بانکی، «تقریبا هیچ» دستاوردی از برجام نداشت. حسن روحانی و محمدجواد ظریف نیز بعدها اذعان کردند دولت اوباما تکالیف خود در برجام را زیر پا گذاشت و بدعهدی آمریکا در قبال برجام، از دولت اوباما شروع شد. به عبارتی، دولت اوباما ۱۹ ماه در برجام حضور داشت اما در این مدت، آمریکا حاضر نشد تعهدات خود در برجام را انجام دهد. دولت ترامپ نیز حدود ۱۵ ماه در برجام حضور داشت و همین رویه تا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ که آمریکا رسماً از برجام خارج شد، دنبال شد. در واقع در هر ۲ دولت دموکرات و جمهوری‌خواه، آمریکا نشان داد تعایلی برای برداشتن تحریم‌های ایران ندارد. در واقع عمر حضور آمریکا در برجام کمتر از ۳ سال یعنی ۳۴ ماه بود. همان‌گونه که گفته شد، در این ۳۴ ماه تحریم‌های اصلی، بویژه تحریم بانکی ایران، اگرچه در ظاهر و بر اساس مفاد برجام تعلیق شده بود اما در عمل، این تحریم‌ها کماکان علیه ایران اعمال می‌شد. بارزترین اقدام دولت آمریکا برای حفظ تحریم‌های بانکی ایران، در جلسه جان کری با بانکداران بزرگ اروپایی در لندن نمودار شد. در این جلسه ۶ ساعته، بانکداران اروپایی با استناد به مفاد برجام، از کری خواستند تضمین‌های لازم برای از سرگیری همکاری‌های بانکی با ایران را به آنها بدهد اما وزیر خارجه آمریکا، یعنی همان کسی که به عنوان نماینده آمریکا برجام را امضا کرده بود، از

تیتیر های امر وز



اسرائیل به چیزی بیشتر از درگیری نظامی با ایران نیاز دارد؛ جنگ و ماشه، مکمل یا مقابل هم؟

نبرد در ذهن‌ها

صفحه ۲

چرا پیشنهاد ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای توقف جنگ در غزه اساسا یک طرح به حساب نمی‌آید

توهم صلح

صفحه ۷

۲ کشته و ۱۴ مجروح در تصادف اتوبوس حامل دانشجویان پیراپزشکی در محور سرخه – سمنان

خوابی به بهای جان

صفحه ۴

نقدی بر مصوبه جنجالی بانک مرکزی درباره محدودیت نگهداری و معامله استیبل کوین‌ها

به گام بازار سیاه؟

صفحه ۳

روایت تأمل قابل اندیشکده امنیت و امور خارجه اورشلیم از حجم همکاری‌های نظامی ایران و چین پس از جنگ ۱۲ روزه

ویژه

کابوس شرقی صهیونیست‌ها

صفحه ۲

خودکشی اپوزیسیون در پر نگاه ضدمیهن

نگاه امیر حمزه

بیش از ۴۰ سال از حضور و ادامه معاندت مخالفان نظام جمهوری اسلامی در خارج از ایران بویژه در نیگه دنیا با همان آمریکا می‌گذرد و به مرور زمان رویکرد و نگرش فکری از میان ضدانقلاب ساخته و پرداخته شده که هر روز از تحولات داخلی ایران دورتر شده و بیشتر به اتفاقات و فرهنگ سیاسی آمریکانزدیک می‌شود. حداقل از اتفاقات سال ۱۴۰۱ این رویه در گروه‌های ضدانقلاب پررنگ‌تر شد و هر روز شدت و حدت بیشتری یافته و جالب است عناصر جدیدی در اردوگاه ضدانقلاب پدید آمده‌اند که وفاداری بیشتری به این مسیر دارند.

■ **منشور همبستگی، عامل افتراق ضدانقلاب**

پس از اتفاقات سال ۱۴۰۱، گروه‌های مختلف ضدانقلاب با هماهنگی بیگانگان سعی کردند برای اجماع بیشتر علیه کشورنام گرد هم جمع شوند. این گردهمایی که به منشور همبستگی معروف شد، اما بیشتر عامل افتراق و رقابت میان گروه‌های ضدانقلاب را فراهم کرد.

در واقع گردهمایی مذکور این مساله را که چه کسی لیدر اصلی ضدانقلاب است، درون اردوگاه معاندان زنده و پررنگ کرد و سلطنت‌طلبان در این حیطه، پیش از گروه‌های سیاسی دیگر خود را برحق دانستند. این نزاع که به نوعی یک رقابت توهیم‌آمیز با فرضیه براندازی نظام جمهوری اسلامی بود، هر روز شدت بیشتری گرفت تا جایی که «رضا پهلوی» چندین‌بار خود را رهبر دوره گذار معرفی کرد تا رقبا را از میدان به در کند.

پس از منشور بود که عملاً اپوزیسیون، به اپوزیسیون خود تبدیل شد و در برخی ادوار رقابت آنقدر جدی بود که موضوع معاندت با نظام حاکم در ایران به اولویت دوم تبدیل شد! این رقابت همچنان ادامه دارد و در ادبیات سیاسی سلطنت‌طلبان و گروه‌های دیگر و در شعارهای آنان هر روز بیشتر نمود می‌یابد.

■ **ترامپیستنی شدن بخش اعظمی از ضدانقلاب**

بسیاری از عناصر تندرو ضدانقلاب منتظر حضور «دونالد ترامپ» در کاخ سفید بودند، چرا که حضور وی را مساوی تحمیل فشارهای بیشتر بر کشورمان قلمداد می‌کردند که دور از واقعیت نیز نبوده و نیست. منتها در این روند، ادبیات آنان که ترامپ را رهبر و لیدر اصلی خود می‌دانستند، هر روز بیشتر و بیشتر ترامپیستی و ضدانقلاب بویژه سلطنت‌طلبان شد. از این رو است که سلطنت‌طلبان مانند رئیس‌جمهور آمریکا گروه‌های دیگر ضدانقلاب را چپ می‌خوانند و با همین ادبیات آنان را خطاب قرار می‌دهند.

ادامه در صفحه ۸